

خاموشی فریادهای زنانه

در عمق ۱۴ متری چاه باغ

خاموشی زن جوان در عمق چاه یک باغ، ۱۰ ماهگی راز سر بسته بود تا اینکه پلیس جنایی تهران توانست پدیده از جنایتی تلخ بردارد. به گزارش «ایران»، شهریور ماه سال قبل بود که رسیدگی به پرونده گم شدن زن جوانی به نام مهناز با اعلام از سوی خانواده‌اش در دستور کار بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت. برادر مهناز با مراجعه به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران، ماجرای گم شدن خواهرش را اینطور روایت کرده بود: «خواهرم یک دختر ۱۰ ساله و یک پسر ۱۵ ساله دارم. روز آخر پسرخواهرم باشگاه بود و دخترش هم به کلاس تابتستانی رفته بود. وقتی بچه‌ها به خانه برگشتند، متوجه شدند که مادرشان خانه نیست. می‌گفتند وقتی صبح داشتند از خانه خارج می‌شدند، مادرشان روی تختش خواب بوده است. آنها سراغ مهناز را از من و دیگر خواهرانم گرفتند اما هیچ‌کس از مهناز خبری ندارد و این سابقه نداشته که خواهر من بی‌خبر از فرزندانش و خانواده جایی برود.»

ضد و نقیض گویی شوهر مهناز
 با اعلام این خبر اولین کسی که تحت تحقیق قرار گرفت، شوهر ۵۰ ساله مهناز به نام یاسر بود. او در برخورد ابتدایی با مأموران ادعا کرد که خبری از همسرش ندارد. می‌گفت روز حادثه همسرش از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته است. یاسر با داستانی سخی می‌کرد پرونده را از مسیر حقیقت دور کرده

و مأموران را گمراه کند اما با گذشت ۱۰ ماه از گم شدن مهناز، در حالی که شوهر او بارها تحت بازجویی تخصصی قرار گرفت، ضد و نقیض گویی‌هایش سبب شد ظن بازپرس پرونده به او بیشتر شده و تحقیقات فنی با حساسیت بیشتری ادامه پیدا کند که مشخص شد یاسر و مهناز از مدتی قبل اختلافاتی داشته‌اند. بنابراین در جریان بازجویی‌ها، یاسر راهی جز افشای حقیقت برایش باقی نماند و نزد محمد وهابی بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران برادر مهناز با مراجعه به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران، ماجرای گم شدن خواهرش را اینطور روایت کرده بود: «خواهرم یک دختر ۱۰ ساله و یک پسر ۱۵ ساله دارم. روز آخر پسرخواهرم باشگاه بود و دخترش هم به کلاس تابتستانی رفته بود. وقتی بچه‌ها به خانه برگشتند، متوجه شدند که مادرشان خانه نیست. می‌گفتند وقتی صبح داشتند از خانه خارج می‌شدند، مادرشان روی تختش خواب بوده است. آنها سراغ مهناز را از من و دیگر خواهرانم گرفتند اما هیچ‌کس از مهناز خبری ندارد و این سابقه نداشته که خواهر من بی‌خبر از فرزندانش و خانواده جایی برود.»

تلاش برای مخفی کردن راز قتل
 مهناز در ابتدا بعد از اعتراف به قتل خود کرد که سر همسرش به دیوار خورده بود، «من و همسرم اختلافی با هم نداشتیم و ۲۰ سال با خوبی و خوشی در کنار دو فرزندم زندگی می‌کردیم. من مکانیک هستم و با اینکه شغل من سخت هست اما سختی‌ها را به جان می‌خریدم برای اینکه زن و بچه‌ام راحت زندگی کنند. همه چیز بین ما خوب بود تا اینکه اخیراً همسر به من شک کرده بود و می‌گفت تو به من خیانت می‌کنی. این فکر بی‌اساس او باعث شده بود ارتباط ما تیره و تار شود. من همه تلاش‌ها را برای ایجاد محبت در دل همسر می‌کردم اما فایده‌ای نداشت و کار به جایی رسیده بود

که او حرف طلاق هم می‌زد. من به هیچ‌وجه راضی به جدایی نبودم و می‌خواستم به هر نحوی شده زندگی را حفظ کنم ولی مهناز به هیچ صراحتی مستقیم نبود و ارتباطش هر روز با من سردتر می‌شد و بیشتر از روز قبل از من فاصله می‌گرفت.» مهناز با این توضیحات درباره ارتباط خود و همسرش ابتدا ادعا کرد که روز حادثه با همسرش درگیر شده و سر مهناز در جریان درگیری به دیوار خورده و فوت کرده است. همچنین درباره محل مخفی کردن جسد ادعا کرد که جسد را پتویچ کرده و در ماشین خود گذاشته، سپس فردی آن روز در حاشیه شهر و در نزدیکی شهرویار رها کرده است. ادعای مهناز سبب شد مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران و تیم تشخیص هویت قدم به قدم محلی را که مهناز نشانی داده بود، بگردند اما هیچ اثری از جسد نبود. به این ترتیب مشخص شد که یاسر سعی در مخفی کردن حقیقت داشته و بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت.

راز جسد در خانه باغ شخصی
 یاسر در ابتدا ادعا کرده بود که روز حادثه مرد غریبه‌ای را در حال فرار از خانه خود دیده که این سبب خشم او و درگیری‌اش با مهناز شده است اما زمانی که مجدداً تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: «فشار سرد مهناز باعث شده بود به او شک کنم. با خودم فکر می‌کردم شاید دلش در گرو فرد دیگری است و همین باعث شده که از من فاصله بگیرد. جنایی تهران ادامه خواهد داشت. این تصور، ذهن من را مسموم کرده



حوادث ویژه

جزئیات شهادت مأمور پلیس در کرمان

قاتل شهید «جواد کریمی» در کمتر از ۱۴ ساعت به هلاکت رسید. سردار روانبخش، جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان گفت: شامگاه شنبه مأموران کلانتری ۱۲ و یگان امداد شهرستان یافت که در اجرای حکم قضایی برای دستگیری یک متهم تحت تعقیب عازم یکی از محله‌های شهر شده بودند با تیراندازی متهم مورد نظر مواجه شدند. وی افزود: در این درگیری ۲ نفر از همزمان انتظامی از ناحیه دست و پا مجروح شدند و متأسفانه هم‌رزم دیگرمان استوار کریمی به فیض شهادت نائل آمد. شهید استوار کریمی متاهل



و دارای یک فرزند ۶ ساله است. جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان ادامه داد: مأموران انتظامی و یگان ویژه از همان لحظه اولیه پیگیری‌های ویژه برای دستگیری فرد سرور را در دستور کار خود قرار دادند. سردار عبدالعلی روانبخش افزود: مأموران با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل را در یکی از روستاهای شهرستان یافت، شناسایی کردند. جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان با اشاره به هلاکت قاتل و درگیری ۱۵ دقیقه‌ای مأموران انتظامی با وی، افزود: قاتل برای گریز از قانون به حربه‌های مختلفی دست زد. سردار روانبخش افزود: مأموران انتظامی با همکاری یگان ویژه در یک عملیات منسجم، قاتل شهید را در یکی از روستاهای شهرستان یافت به هلاکت رساندند. جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان در پایان افزود: در این درگیری یک قبضه سلاح جنگی به همراه دو تیغه خنجر و مقداری مهمات کشف شد.

بازداشت هانی گرده و نوحه‌هایش در شلوغ کاری تمرین استقلال

معاونت عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران اعلام کرد، در جریان برخورد با ارادل و اوپاش حمله‌کننده به تماشاچیان تمرین تیم فوتبال استقلال، ۷ نفر دستگیر شدند. سرهنگ سعید راستی روز یکشنبه در گفت‌وگویی اظهار داشت: انتشار کلیبی با مضمون ضرب و شتم تعدادی از هواداران و تماشاچیان کمپ تمرینی تیم فوتبال استقلال در روز پنجشنبه و اقدام مجرمانه و شروانه چند نفر به سرکردگی یکی از ارادل و اوپاش سابقه‌دار تهران، موجب جرح‌دار کردن افکار عمومی شد و خواست عموم مردم از پلیس، برخورد با این افراد بود. به گفته او، بنابر درخواست مردم، پلیس امنیت تهران بزرگ طبق تکلیف قانونی خود در برخورد با جرایم خشن، پرونده را در دستور کار قرار داد و در روزهای اخیر، ۷ نفر از حمله‌کنندگان و ارادل و اوپاش مربوط به اتفاق کمپ تمرینی تیم استقلال دستگیر شدند. معاونت عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران با بیان اینکه این افراد با هماهنگی قضایی در بازداشت پلیس هستند، افزود: تحقیقات در مورد این افراد ادامه دارد و پرونده نزد بازپرس منتقل خواهد شد. سرهنگ راستی با تأکید بر ممنوعیت حضور این افراد در اماکن عمومی، گفت: پلیس با همراهی دستگاه قضایی بنا دارد علاوه بر اینکه ارادل و اوپاش را از حضور در اماکن فرهنگی و ورزشی محروم کند، بلکه از ورود آنها به هر مکانی که محل تجمع مردم است نیز جلوگیری به عمل آورد.

این شیطان صفت را شناسایی کنید



رئیس پلیس آگاهی پایتخت با انتشار عکس چهره باز متهم برای دستگیری وی از مردم کمک خواست. سرهنگ کارآگاه علی ولی‌پور گودرزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت، گفت: اسفندماه ۱۴۰۱، رسیدگی به پرونده آزار و اذیت یک زن جوان در بزرگراه شهید صیاد شیرازی تهران بزرگ قرار گرفت. وی افزود: پس از ثبت شکایت زن جوان و تشکیل پرونده در پلیس آگاهی، کارآگاهان راهی صحنه وقوع جرم شدند و با تحقیقات میدانی پی بردند، متهم در اتوبان صیاد شیرازی با تهدید، یک زن جوان را به وسیله موتورسیکلت خود ربوده و شاکتی پرونده را در حوالی انتهای بزرگراه صیاد شیرازی شمال، بلوار ارتش (ازگل)، هدف آزار و اذیت شیطانی قرار داده است. این مقام انتظامی تصریح کرد: کارآگاهان در نخستین گام با بررسی محل وقوع جرم و تصاویر دوربین‌های مدار بسته موجود در محل توانستند تصویر این مرد شیطان صفت را به دست آورند. سرهنگ کارآگاه ولی‌پور گودرزی با بیان اینکه چنانچه شهروندان با این شگرد از سوی متهم هدف آزار و اذیت قرار گرفته‌اند برای ثبت شکایت به اداره ۱۶ پلیس آگاهی مراجعه کنند، خاطرنشان کرد: با دستور مرجع قضایی، عکس بدون پوشش متهم برای شناسایی منتشر شده است. وی از شهروندان خواست، در صورت شناسایی و اطلاع از مخفیگاه این مرد شیطان صفت، موضوع را به شماره تلفن ۰۲۱۰۵۵۵۱۶ اداره شانزدهم پلیس آگاهی واقع در خیابان وحدت اسلامی گزارش دهند.

حمله سارق چاقو به دست

به مأمور پلیس در سمنان

سارق حرفه‌ای پس از سرقت از زن جوان وقتی خود را در برابر مأمور پلیس دید با چاقو به وی حمله کرد. سرهنگ محمود گیلانی، رئیس پلیس آگاهی استان سمنان گفت: یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی استان حین تردد با خودروی شخصی در سطح شهر سمنان متوجه کمک‌خواهی خانمی شد که تلفن همراهش توسط سارقی در حال فرار به سرقت رفته است. وی گفت: این مأمور بلافاصله سارق را تعقیب می‌کند که در ادامه این فرد سارق با چاقو اقدام به تخریب وسیله نقلیه مأمور می‌کند. رئیس پلیس آگاهی استان سمنان تصریح کرد: یکی از شهروندان با مشاهده این موضوع، قصد می‌کند سارق را بگیرد که متهم با مجروح کردن وی از محل متواری و در یکی از منازل اطراف مخفی می‌شود. رئیس پلیس آگاهی استان سمنان به هماهنگی‌های لازم و حضور گشت آگاهی در محل اشاره کرد و افزود: مأموران پس از ورود به منزل و دستگیری سارق، تلفن همراه مسروقه را از وی کشف می‌کنند، سارق برای بررسی بیشتر به پلیس آگاهی منتقل شد. سارق ۱۷ ساله در تحقیقات پلیس به سرقت به عنف و چاقو کشی اعتراف کرد. سرهنگ گیلانی افزود: سارق جوان دارای سوابق کیفری متعدد است و تحویل مراجع قضایی شد.

جوان وحشت آفرین ۱۶۹ اوپاش به پایان رسید

شاخ غول‌های اسلامشهر شکست

سر خیابان می‌ایستادند و بازوهای خالکوبی شده و جملات رکبک برای رهگذران قدرت نمایی می‌کردند تا جایی که قهقهه‌شان را دور سرشان می‌چرخاندند و با عریه‌های کشی و شکستن شیشه‌های مغازه‌ها، کاسبان محل را به رب و وحشت می‌انداختند گاهی هم با متلک گویی امنیت زنان را به مخاطره می‌انداختند تا اینکه پلیس اسلامشهر در یک عملیات مقتدرانه شاخ این غول‌های شهر را شکست و آرامش را به مردم برگرداند.

سرهنگ محمدرضا علیزاده رئیس پلیس اسلامشهر در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» گفت: به منظور افزایش احساس امنیت شهروندان، طرح ارتقای امنیت اجتماعی محله محور با هدف ایجاد محیطی امن و جهت جمع آوری حاملان سلاح سرد و مبارزه با انواع سرقت در شهرستان اسلامشهر به مرحله اجرا گذاشته شد.

وی افزود: در این طرح مأموران پلیس موفق به دستگیری ۱۶۹ اوپاش محل نظم و آرامش دستگیر شدند و ۱۱۶ قبضه انواع سلاح سرد شامل جاقو قهقهه شمشیر و تیزی کشف شد.

سرهنگ علیزاده ادامه داد: در ادامه اجرای این طرح ۲۷ سارق و ۲۴ نفر خرده فروش مواد مخدر دستگیر شدند.

وی درباره جرایم افراد دستگیر شده گفت: ایجاد ناآرامی و نگرانی برای شهروندان و خانواده‌ها - حمل سلاح سرد - سرقت و حمل و توزیع مواد مخدر از جمله این جرایم بود.

سرهنگ علیزاده با اظهار اینکه هماهنگی‌های ویژه با دستگاه قضایی برای دستگیری این قبیل افراد مجرم صورت پذیرفته است گفت: در اجرای این طرح پلیس مقتدرانه درمقابل افرادی که بخواهند امنیت مردم را به مخاطره بیندازد خواهد ایستاد.

فرماندهی انتظامی شهرستان اسلامشهر از شهروندان خواست هرگونه موارد مشکوک را از طریق تماس با سامانه فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یا ما درمیان بگذارند.



نجات معجزه‌آسای یک مرد در ماجرای آدم ربایی



مرد جوان وقتی با سر و دست شکسته در بیمارستان به هوش آمد، از همسرش به اتهام آدم‌ربایی و اقدام به قتل شکایت کرد. به گزارش «ایران»، «وقتی در بیمارستان به هوش آمدم سرم بشدت تیر می‌کشید و چشمانم سیاهی می‌رفت. اصلاً نمی‌دانستم کجا هستم، چند شنیده است و چه بلایی سرم آمده است. ناله‌ای کردم و می‌خواستم دستم را روی سرم بگذارم که متوجه شدم دستم سنگین است. انگار یک وزنه خیلی سنگین به دستم وصل بود. نمی‌توانستم سرم را بچرخانم و دستم را نگاه کنم، اما بعداً فهمیدم دستم هم در گنج بود.»

آدم‌ربایی زن و شوهری

مدتی قبل رسیدگی به شکایت مرد جوان ۳۵ ساله به نام پیمان با موضوع آدم‌ربایی و ضرب و جرح در دستور کار غلامحسین صادقی‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت.

مرد جوان که با دست گج گرفته و سر پانچویی شده و صورت کبود روبه‌روی بازپرس نشسته بود، در حالی که برکه معاینه پزشکی قانونی را در دست داشت در شرح شکایت خود گفت: «از مدتی قبل با همسرم به نام نیلوفر اختلافات زیادی داشتم. او اعتیاد مزمن به کافور بود و به خاطر این موضوع با من دعوا راه می‌انداخت اما می‌دانستم که مشکل او اعتیاد نیست و می‌خواست به اهداف مالی خود در زندگی مان برسد! با اینکه اعتیاد دارم اما کارم را با جدیت ادامه می‌دم و مشکل مالی ندارم. همسرم از همان ابتدای زندگی به من می‌گفت باید ملکی، ماشینی چیزی به نامم بخری، اما من که می‌دیدم او با من سر ناسازگاری دارد این کار را برایش انجام نمی‌دادم! چون مطمئن نبودم زندگی ما دوامی داشته باشد.»

در مسیر خانه مادرم بیهوش شدم!

پیمان در ادامه گفت: «یکی، دو شب قبل از حادثه بازم نیلوفر شروع به پنهان‌جویی کرد. می‌گفت تو اعتیاد داری و شاید همه دار و ندارمان را دود کنی! برای همین اگر اموال تو به نام من باشد خیالم راحت‌تر است. هر پنهانی می‌آوردم که او از این فکر بیرون بیاید، دست‌بردار نبود که نبود. برای همین درست روز قبل از حادثه، خانه‌مان را به همسرم صلح کردم به این معنی که تا زمان زنده بودنم همه دخل و تصرفات ملکی برعهده خودم باشد اما اگر از دنیا رفتم، خانه در اختیار همسرم قرار بگیرد.»

جرح و بحث‌های زن و شوهری ادامه داشت تا اینکه روز حادثه رسید. پیمان در این باره گفت: «روز حادثه قرار بود با همسرم به خانه

مادرم برویم. قبل از اینکه از خانه حرکت کنیم نیلوفر برلم شربتی درست کرد. بعد از خوردن آن احساس گیجی داشتم اما با خودم فکر کردم شاید به خاطر خستگی و کار زیاد است و یک ساعت که بگذرد بهتر می‌شوم. برای همین موضوع را جدی نگرفتم و پشت فرمان ماشینم نشستیم، اما کمی که در مسیر حرکت کردیم دیگر چیزی متوجه نشده و بیهوش شدم. اصلاً نفهمیدم چه بلایی سرم آمد و حتی وقتی در بیمارستان به هوش آمدم، نمی‌دانستم چند روز گذشته و در این چند روز کجا بودم. مطمئنم این بلا را همسرم بر سر من آورده است. گمان می‌کنم او قصد به قتل رساندن مرا داشته است اما من جان سالم بدر بردم. حالا می‌خواهم بدانم من را بعد از بیهوش شدنم کجا برده است. عده‌ای نشان من را در حالت رو به مرگ در حاشیه یکی از اتوبان‌های جنوب شهر دیده و به بیمارستان منتقل کرده بودند. شاید اگر قید به بیمارستان می‌رسیدم الان سینه قبرستان خوابیده بودم!»

نظریه پزشکی قانونی

در حالی که نتیجه معاینات پزشکی قانونی نشان می‌داد ضربات متعدد با جسم سخت به سر و بدن پیمان باعث ایجاد صدمات و جراحات شده است، مرد جوان از همسرش به اتهام آدم‌ربایی، ضرب و جرح و اقدام به قتل شکایت کرد.

من بی‌گناهم

با ثبت شکایت پیمان علیه همسرش،